حضور هیات کارشناسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تهران

سیگنال برجامی ایران، پالس ضمنی آمریکا و اروپا

واشنگتن: توافق هسته‌ای جدای از مساله اعتراضات است

گروه سیاسی- علی ودایع: هیئت کارشناسان آژانس بین المللی انرژی اتمی به تهران آمد. این اقدام می‌تواند گام مهمی در جهت تنش‌زدایی درروابط ایران و آژانس باشد. «محمد اسلامی» رئیس سازمان انرژیا تمی پیشتر از سفر قریب القوع تیم فنی آژانس بین المللی انرژی اتمی«بنا به دعوت ایران» جهت حل‌وفصل مسائل پادمانی به ایران خبر داده بود.

شورای حکام آژانس، ماه گذشته قطعنامه ای علیه کشورمان به تصویب رساند که طبق آن ایران باید به صورت فوری و ضروری پاسخ به سوالات آژانس را در دستور کار خود قرار دهد. ایران نیز در واکنش به این اقدام خصمانه، غنی سازی ۶۰ درصد در فردو و برخی دیگر از اقدامات فنی در حوزه غنی سازی را آغاز کرد و سفر هیئت فنی آژانس را به تعویق انداخت.

آژانس ایران را متهم می‌کند که تعهدات پادمان‌های ان‌پی‌تی را اجرایی نکرده است و این درحالی است که براساس گزارش های منتشر شده از سوی خود این نهاد، ایران بیشترین همکاری پادمانی و فراپادمانی با این نهاد داشته است.

عدم قطعیت درباره مواضع آمریکا

اگرچه «ودانت پاتل» معاون سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده روز جمعه تاکید کرد که برجام به هیچ عنوان اولویت آمریکا نیست اما همزمان با سفر تیم آژانس به ایران، «لیندا توماس گرینفیلد»، نماینده آمریکا در سازمان ملل با اشاره به اینکه لغو عضویت ایران از کمیسیون مقام زن پیامی برای تهران دارد تاکید کرد که توافق هسته ای جدای از مساله اعتراضات در داخل ایران است. شاید بتوان گفت که ورای مواضع سفت و محکم ایران و آمریکا درباره توافق هسته‌ای، نشانه‌های نامحسوسی از نرمش طرفین برای احیای برجام مشاهده می‌شود.اروپایی ها هم اگرچه درحال یقه پاره کردن برای پرستیژ حقوق بشری هستند اما بیش از هرکسی نگران تبعات مرگ قطعی توافق هسته‌ای هستند.

پایگاه خبری المانتیور هم با پیش کشیدن صحبت‌های «رابرت مالی» نماینده ویژه دولت آمریکا در امور ایران که گفته بود « واشنگتن در حال حاضر روی برجام متمرکز نیست، چراکه تهران مایل به احیای آن نیست» نوشت : «هیچ چیز درباره مرگ برجام قطعی نیست.»

تبادل پالس تهران و اروپا

گفته «مجتبی امانی» سفیر جمهوری اسلامی ایران در بیروت درباره آمادگی ایران برای رسیدن به توافق هسته ای خوب، پایدار و قوی در کنار صحبت‌های صریح «حسین امیرعبداللهیان» وزیرامورخارجه کشورمان مبنی بر «سیاست راهبردی عدم ترک میز مذاکره» نشان می دهد که ایران همچنان تمایل به احیای برجام دارد. ناگفته نماند که وزارت امورخارجه هم به دلیل وضعیت برزخی برجام از سوی برخی محافل داخلی مورد انتقادات جدی قرار گرفته است. فارغ از هر حرفی، سوال بنیادین برخی محافل این است که اگر تهران متمایل به احیای برجام باشد ؛ واکنش آمریکا و اروپا در واقعیت چه خواهد بود؟! «جوزپ بورل» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپایی به واسطه صحبت با وزیر امورخارجه ایران گفته است که «ما گزینه بهتر از برجام برای اطمینان از عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای نداریم. این به نفع خود ماست.» وی در ادامه گفت که «اتحادیه اروپا می‌بایست پرونده‌های حقوق بشر، پهپادها و برجام را از هم جدا کند» و خواستار ادامه تعامل تا حد امکان با ایران در پرونده هسته‌ای، علی‌رغم بن‌بست فعلی شد.

وزارت امورخارجه ایران همواره گفته است که «هدف جمهوری اسلامی ایران امضای یک توافق پایدار است و آماده است تا گفت‌وگوها را در راستای پیش‌نویس مذاکرات وین که حاصل ماه‌ها سختی و تلاش بود به نتیجه برساند.» موافقت تهران با سفر هیئت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یک پالس مهم در پاسخ سیگنال‌های آمریکا و اروپا است.

توافق روی میز

در واقعیت دولت آمریکا همواره تاکید کرده است که دیپلماسی اصلی ترین دستور کار واشنگتن در مقابل جمهوری‌اسلامی است. در همین راستا دولت بایدن نیز با دقت اعلام کرده است که «از برجام دست نکشیده و فقط اولویت‌های دیگری دارد.» توافق روی میز در ماه اوت که از نظر فنی هنوز پابرجاست، پیش نویس مورد تایید ایالات متحده / اتحادیه اروپا است. نکته بنیادین اینجاست که بازگشت به مذاکرات با ایران آغاز می شود اما اگر ایران دوباره علاقه مند شود، ایالات متحده نیز باید برجام را در میان «اولویت های دیگر» بازگرداند. در میان تمام آنچه که گفته شد ؛ خشن‌ترین دولت صهیونیستی با نخست‌وزیری «بنیامین نتانیاهو» و تاثیرگذاری «بن گویر»وزیر مکلف امنیت داخلی اسرائیل در سرزمین اشغالی روی کار خواهد آمد. اسرائیل بیش از هر زمانی دنبال اجرای پلن B علیه ایران است. بی‌بی برای سرکوب انتقادات داخلی بیش از هر اقدامی نیازمند یک جنگ یا حداقل زد و خورد محدود با ایران است. عطش اسرائیل برای خشونت طرفین غربی برجام را در موقعیتی قرار می‌دهد که با کلید واژه «تفکیک موضوعات» تلاش جدی‌تری برای احیای برجام را دنبال کنند.آیا سفر هیئت آژانس کلید قفل مذاکرات وین را بازخواهد کرد یا غرب نمی‌تواند بین مسائل تفکیک قائل شود؟!

امیرعبداللهیان به نشست امان می‌رود

ادامه گمانه‌زنی درباره احتمال ملاقات ایران و عربستان در اردن

حسین امیر عبداللهیان وزیر امورخارجه کشورمان عصر امروز (دوشنبه) به امان پایتخت اردن به منظور شرکت در دور دوم کنفرانس بغداد سفر می‌کند.

بعد از برگزاری نشست بغداد در ماه آگوست ۲۰۲۱، امان پایتخت اردن قرار است در بیستم ماه جاری میلادی (دسامبر) میزبان نشستی منطقه ای در خصوص عراق باشد. در این نشست قرار است ایران و ترکیه و تعدادی از کشورهای عربی از جمله عربستان مشارکت داشته باشند. فرانسه نیز به مانند نشست قبلی بغداد در این نشست حضور خواهد داشت .

به گزارش ایرنا، «نشست امان» دور دوم کنفرانس بغداد است که در آگوست سال ۲۰۲۱ در بغداد پایتخت عراق برگزار شد و عنوان آن «کنفرانس همکاری و مشارکت» بود. جمهوری اسلامی ایران در آن نشست در سطح وزیر خارجه شرکت کرد که اولین سفر وزیر امورخارجه پس از کسب رای اعتماد از مجلس شورای اسلامی بود.

در نشست پیشین علاوه بر ایران کشورهایی چون عربستان، ترکیه هم در سطح وزیر خارجه شرکت کردند اما فرانسه و مصر در سطح رئیس‌جمهور، کویت در سطح نخست وزیر، قطر در سطح امیر و امارات در سطح معاون رئیس امارات و اردن در سطح پادشاه شرکت کردند.

حضور جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک بازیگر مهم و تاثیرگذار منطقه‌ای برای طرف‌های شرکت کننده در این نشست همواره مهم بوده و مورد توجه رسانه‌های بین‌المللی قرار گرفته است. یکی از موضوعاتی که مورد توجه و گمانه‌زنی‌های رسانه‌ها قرار گرفته است، بحث احتمال دیدار مقامات ایرانی و سعودی در حاشیه این نشست مهم است.

خبرنگار ایرنا اطلاع یافت که تا این لحظه برنامه‌ای برای دیدار طرف‌های ایرانی و سعودی در حاشیه نشست تنظیم نشده است، اما در خصوص این موضوع باید منتظر برگزاری کنفرانس ماند. برخی از رسانه‌ها از احتمال حضور عربستان در نشست در سطح ولیعهد خبر داده‌اند.

دعوت از ایران و تاکید حضور آن در این نشست حکایت از این دارد که برخلاف تلاش برخی از کشورهای غربی برای به انزوا کشاندن ایران در عرصه بین‌المللی و منطقه، تهران بازیگری غیرقابل اجتناب است و حضور آن برای کمک به فرآیندهای منطقه‌ای و بین‌المللی یک ضرورت است. به زبانی دیگر، بحث انزوای ایران در عرصه خارجی گزاره‌ای است که نسبتی با واقعیت ندارد و محکوم به شکست است.

یکی از نکاتی که جمهوری اسلامی ایران بارها در خصوص این نشست و افزایش اثربخشی آن تاکید کرده است، لزوم دعوت از بازیگران مهم منطقه‌ای دیگر برای حضور و مشارکت در این کنفرانس است.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران در همان دور اول کنفرانس که در بغداد برگزار شد، از عدم دعوت سوریه به این نشست انتقاد کرد و پس از این نشست بلافاصله به دمشق سفر کرد تا مقامات سوری را در جریان گفت‌وگوی بغداد قرار دهد.

بنابراین به نظر می‌رسد که گزاره فوق همچنان پا برجا باشد و عدم دعوت از بازیگران منطقه‌ای مهم مثل سوریه یکی از نواقص چنین نشست‌هایی است.

یکی از نکات دیگر، فاصله بین برگزاری دور اول و دور دوم این کنفرانس است که زمانی قریب به کمتر از یکسال و نیم یا حدود ۱۶ ماه طول کشید که به نظر می‌رسد تاخیر در تشکیل در دولت عراق از جمله دلایل مربوط به تاخیر در برگزاری دور دوم این نشست است.

هرچند که نام این نشست با بغداد و عراق گره خورده، اما انتظار می رود که دامنه آن فراتر از موضوع این کشور باشد به شرطی که همه بازیگران مشروع و موثر به آن دعوت شوند.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران یکی از محورهای مهم سیاست خارجی خود را در دولت سیزدهم توجه بیشتر به منطقه و توسعه روابط با همسایگان تعریف کرده است، به همین دلیل شرکت ایران در این کنفرانس به ویژه در سطح وزیر خارجه نشان از اهتمام تهران به این سیاست و در راستای کمک به صلح و ثابت منطقه ای است. هرچند که در نگاه کلی، هرگونه ثبات در منطقه مستلزم تغییر در رویکرد برخی از کشورهای منطقه به روند تحولات در منطقه است. با این توضیح که کلید بسیاری از مسائل در منطقه، در دستان اهالی و بازیگران منطقه‌ای است و نباید آن را نزد بازیگران فرامنطقه‌ای و مخرب جستجو کرد.

چین؛ آمریکای جدید در خلیج فارس

«محمد مهدی مظاهری» در یادداشتی برای دیپلماسی ایرانی می‌نویسد که در روزهای اخیر سفر رئیس جمهوری چین به عربستان و همراهی این کشور با بیانیه‌های ضد ایرانی مقامات سعودی و همچنین اعضای شورای همکاری خلیج فارس، ضمن برانگیختن خشم عمومی در ایران، سبب ساز طرح ایده‌ها و تحلیلهای گوناگونی پیرامونی چرایی این اتفاق و دلایل نزدیکی چین به کشورهای عرب حوزه خلیج فارس شده است. اما در این هیاهوی خبری- تحلیلی، آنچه مغفول مانده و یا حداقل کمتر به آن پرداخته شده بررسی و تحلیل متغیرها و عواملی است که سبب جذب این غول آسیایی به منطقه خلیج فارس و اشتیاق آن به عقد توافقات راهبردی با کشورهای مختلف این منطقه شده است. البته چین از کشورهایی است که با منطقه خلیج فارس روابط سنتی و دیرینه داشته و به ویژه بعد از دهه هفتاد که سیاست برونگرایی را برگزید، بر اساس استراتژی جدید «اصلاح و پیشرفت»، خواهان دوستی و گسترش مناسبات اقتصادی و بازرگانی با همه کشورها و همزیستی مسالمت آمیز با آنها شد و بدین ترتیب درصدد توسعه روابط و حضور خود در منطقه خلیج فارس نیز برآمد. در طی ۵ دهه گذشته، متغیرها و سائق‌های گوناگونی سبب جذاب شدن منطقه خلیج فارس برای کشور چین شده است که در اینجا به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌شود.

دسترسی امن به منابع انرژی

جمهوری خلق چین طی جنگ سرد نگاهی ایدئولوژیک به مسائل جهانی داشت، اما در مقطع پس از جنگ سرد، منافع ملی و عمل‌گرایی، نقش زیادی در سیاست خارجی این کشور پیدا کرده است. در واقع، همراستا با توسعه اقتصادی فوق العاده و شگفت انگیز چین، این کشور نیاز گسترده تری به منابع انرژی فسیلی مانند نفت و گاز پیدا کرده و این امر محرک اصلی چین برای حضور در خلیج فارس بوده است. بر این اساس این کشور که از اوایل دهه ۱۹۹۰ خودکفایی انرژی را از دست داده و نیازمند واردات نفت شده است، تلاش کرده برای تأمین امن و مداوم نیازهای خود، به بازیگران بزرگ انرژی در منطقه خلیج فارس همچون عربستان، قطر، امارات و ایران نزدیک شود. از آنجا که کشورهای دارنده منابع انرژی در خلیج فارس به دو طیف همکار و متحد آمریکا (کشورهای عربی) و رقیب و مخالف آمریکا (جمهوری اسلامی ایران) تقسیم می‌شوند، چین با احتیاط برای‌ایجاد تعادل بین رقبای منطقه قدم برداشته است و در این راستا، برای گسترش روابط اقتصادی با همه قدرت‌های منطقه وایجاد مشارکت‌های استراتژیک جامع با هر دو طرف تأکید می‌کند. چنین سیاستی برخواسته از رویکرد سیاسی – امنیتی خاص چین به خلیج فارس است که به عنوان دومین متغیر اثرگذار از آن یاد می‌شود.

سواری رایگان بر امنیت آمریکایی موجود در خلیج فارس

از منظر نظامی – امنیتی، چین هر چند می‌کوشد جایگاه خود را در منطقه به عنوان یک بازیگر کلیدی و ضروری تثبیت کند، اما درصدد ایجاد فضای امنیتی و مقابله با نفوذ آمریکا در این منطقه نیست؛ بلکه بر عکس تلاش کشورهای غربی به ویژه آمریکا برای تأمین نظم و امنیت در این منطقه را یک فرصت مغتنم می‌داند که بتواند از این امنیت رایگان به دست آمده برای حفظ و ارتقای منافع اقتصادی خود استفاده کند. نکته دیگر اینکه پکن همواره تلاش کرده تا خود را از ورود به درگیری‌های این منطقه و بر عهده گرفتن تعهدات بلند مدت حفظ کند، در همین راستا، چین در سایه سیاست کلان موازنه نرم با آمریکا، رویکرد تعامل با این کشور را در حوزه خلیج فارس دنبال می‌کند. البته چین نیز مدل امنیتی خاص خود را دارد؛ این کشور به ایده ایجاد صلح از طریق توسعه و گسترش مناسبات اقتصادی معتقد است، این در حالی است که کشورهای غربی همچنان نگاهی سنتی به تأمین امنیت در خلیج فارس دارند و این امر را از طریق ایجاد پایگاههای نظامی، فروش تسلیحات، شکست دادن دشمن و حفظ اتحادهای نظامی ممکن می‌دانند.

البته بعد از تغییر رویکرد اخیر دولت آمریکا به منطقه غرب آسیا و تمرکز این کشور بر روسیه و چین در استراتژی امنیت ملی سال ۲۰۲۱ خود، سیاست امنیتی چین نسبت به خلیج فارس نیز تا حدودی تغییر یافته است. در نتیجه این کشور به توسعه موقعیت نظامی خود در خلیج فارس پرداخته و به طور مخفیانه در صدد ساخت یک تأسیسات نظامی در بندر خلیفه در ۵۰ مایلی شمال ابوظبی، پایتخت امارات برآمده است. فروش تسلیحات نظامی از جمله هواپیماهای L-۱۵ به کشورهای حوزه خلیج فارس(به ویژه امارات) نیز از دیگر نشانه‌هایی است که از تغییر استراتژی چین در خلیج فارس و توسعه هر چه بیشتر نفوذ نظامی این کشور در منطقه خبر می‌دهد. هر چند چین همچنان تمایلی به جایگزینی ایالات متحده به عنوان تامین کننده امنیت خلیج فارس ندارد و تاکنون علاقه چندانی به قبول این مسئولیت از خود نشان نداده است، اما وضعیت ویژه امنیتی منطقه خلیج فارس سبب می‌شود تا چین برای حفاظت از منافع دریایی خود و حفظ امنیت و ثبات در امتداد این گلوگاه استراتژیک انرژی، به ناچار نقش جدی‌تری بر عهده بگیرد.

گسترش نفوذ از طریق اقتصاد

روابط چین و کشورهای حاشیه خلیج فارس، از سال ۲۰۰۴ با شکل گیری مجمع جامع همکاری چین و کشورهای عربی (CASCF) وارد دوران جدیدی شد. دومین نقطه عطف در روابط میان چین و شورای همکاری خلیج فارس نیز حرکت دو طرف به سمت امضا توافق نامه تجارت آزاد در طول یک دهه گذشته است. بر این اساس، یکی از سیاست‌های مهم چین در حوزه خلیج فارس این است که با برقراری روابط اقتصادی با بازیگران اصلی منطقه‌ای و ایجاد حس وابستگی در آنها، نفوذ خود در این منطقه را تقویت می‌کند. این کشور با دور زدن آمریکا، موقعیت سرمایه‌گذار اصلی در خلیج فارس را به دست آورده است. در حال حاضر کشورهای این منطقه همچنان موافقتنامه‌هایی را برای همکاری با چین در رابطه با اجرای پروژه یک کمربند و یک جاده به امضا می‌رسانند. به این ترتیب چین با تمرکز بر توسعه روابط اقتصادی با کشورهای منطقه، به شریک تجاری کلیدی آنها تبدیل شده و جایگاهی مستحکم در این منطقه پیدا کرده است.

توسعه روابط با اهداف هژمونیک

مطالعه رفتارهای سیاست خارجی چین به ویژه در یک دهه اخیر نشان می‌دهد این کشور درصدد معماری یک نظم نوین اقتصادی در سطح بین‌المللی است و برای تحقق این مهم، به تقویت روابط خود با مناطق و کشورهای مختلف پرداخته است. از جمله اقدامات مشخص چین برای تحقق این هدف را باید در ابتکار ایجاد جادهٔ ابریشم جدید جست‌وجو کرد. «ابتکار یک کمربند یک جاده» یک ابتکار اقتصادی بزرگ است که دارای دو مسیر «زمینی» و «دریایی» برای اتصال چین به قاره‌های اروپا و آفریقا است. این طرح محورهای مختلف(شمالی، جنوبی و مرکزی) دارد و در قالب محور مرکزی آن است که منطقه غرب آسیا و خلیج فارس اهمیت می‌یابد. از این‌رو موقعیت ژئوپلیتیک مناسب، برخورداری کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از سرمایه‌های کلان، برنامه‌های بلند پروازانه آنها برای توسعه و به ویژه اشتیاق و استقبال آنها از همکاری با چین به منظور کاهش وابستگی خود به آمریکا، پکن را بر آن داشته است تا به منطقه خلیج فارس به‌عنوان بازاری پرسود برای سرمایه‌گذاری‌های متعدد در زیرساخت‌های صنایع سنگین مانند بندرگاه‌ها و راه‌آهن و نیز در فناوری‌های چینی مانند هوش مصنوعی و فناوری جی پنج، بنگرد.

کشش به سمت بازیگران بدون ریسک و اجتناب از بازیگران پر تنش

اولویت داشتن مسائل اقتصادی برای چین سبب شده است تا این کشور تعصب و تعهد خاصی برای ارتباط با یک یا چند کشور خاص و عدم ارتباط با گروهی دیگر نداشته باشد و با هر بازیگری که بتواند منافع این کشور را بهتر تأمین کند، وارد رابطه شود. در این میان ویژگی‌های سیاسی منطقه خلیج فارس و دو دستگی موجود در بین کشورهای این منطقه، چین را به سمت عدم ورود به اختلافات سیاسی و موازنه سازی بین رقبا برای تأمین حداکثری منافع خود سوق داده است. در این راستا، سیاست خارجی پکن در ایجاد تعادل بین رقبا (ایران و شیخ نشینهای خلیج فارس) و افزایش چندجانبه گرایی، چین را قادر ساخته تا ضمن تقویت حضور و نفوذ خود در خلیج فارس، حساسیتی در کشورهای این منطقه ایجاد نکند و ضمن تعامل با کشورهای مختلف منطقه، بر منافع مشترکی که عمدتاً هم اقتصادی است، تمرکز کند و بر همکاری استراتژیک همه جانبه با همه کشورها بپردازد.

در راستای همین سیاست موازنه سازی بود که شاهد بودیم چین در سال‌های اخیر همکاری‌های خود را با ایران افزایش داد و روابط دوجانبه را از طریق توافقنامه همکاری ۲۵ ساله تعمیق بخشید. این کشور با وجود تحریم‌های فزاینده آمریکا، بخش زیادی از نفت ایران را خریداری می‌نمود، در مذاکرات هسته‌ای از مواضع ایران حمایت نسبی نموده و از عضویت ایران در سازمان‌های منطقه‌ای مانند سازمان همکاری شانگهای، نیز حمایت کرد. از طرف دیگر، این کشور همکاری اقتصادی با رقبای ایران در حوزه خلیج فارس را نیز افزایش داده است. توسعه روابط اقتصادی با عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین، قطر، کویت و عمان، به ویژه در زیرساخت‌ها، ارتباطات، فناوری و انرژی، که همگی حوزه‌های حیاتی برای طرح بلندپروازانه کمربند و جاده چین هستند، در راستای‌این سیاست تفسیر می شود. با این وجود، سفر اخیر رئیس جمهوری چین به عربستان و صدور بیانیه مشترک ضد ایران نشانه ای جدید دال بر آن است که چین سیاست سنتی موازنه در خلیج فارس را کنار گذاشته و به دنبال تعریف روابطی کم تنش تر و بدون ریسک تر است. واقعیت این است که، جمهوری اسلامی ایران به دلیل مشکلات داخلی که وجهه و اعتبار بین المللی کشور را خدشه دار کرده و نیز ناکامی در به نتیجه رساندن برجام، تا حدودی ارزش استراتژیک خود برای چین را از دست داده و به عنوان بازیگری پر تنش شناسایی شده که ارتباط با آن می‌تواند دردسرآفرین بوده و رؤیای ایجاد هژمونی اقتصادی توسط چین را با مشکل مواجه کند. ضمن اینکه کالای استراتژیک انرژی که توسط ایران ارائه می‌شود نیز توسط کشورهای عربی قابل دستیابی است؛ در نتیجه در مقطع کنونی از منظر چین کفه ترازوی موازنه به هم خورده و طرف کشورهای عربی آن سنگین تر و پرمنفعت تر تشخیص داده شده است. اتخاذ این رویکرد از سوی چین، در کوتاه مدت تهدید و آسیبی جدی برای وزن و اعتبار ایران در خلیج فارس است و چنانکه تدابیری برای آن اندیشیده نشود، در بلند مدت می‌تواند چین را به آمریکایی دیگر برای ایران تبدیل کند.

ویژه

درخواست پمپئو برای تشدید فشار به ایران

وزیر امورخارجه پیشین آمریکا با تکرار ادعاهای خود علیه جمهوری اسلامی ایران گفت که هیچ امیدی به همکاری با این کشور وجو ندارد.

به گزارش ایسنا، مایک پمپئو وزیر امورخارجه پیشین آمریکا در یک نشست در واشنگتن با عنوان «سیاست ایران» لفاظی‌های خود علیه جمهوری اسلامی ایران را تکرار کرد و گفت که هیچ امیدی برای همکاری دولت ایالات متحده با ایران وجود ندارد.

بنابر گزارش واشنگتن اگزمینر، پمپئو با طرح این ادعا که جمهوری اسلامی ایران با مردم خود با خشونت رفتار می‌کند، گفت که خیلی خوب است که جهان نسبت به آن چه خشونت نظام ایران می‌خواند، هوشیار شده است اما همکاری یا مذاکره دولت ایالات متحده با دولت ایران هیچ معنایی ندارد، کاری که دولت بایدن در حال حاضر انجام می‌دهد.

وزیر امورخارجه پیشین آمریکا که تحریم‌های ظالمانه کشورش علیه ایران همچنان برقرار است و دشواری‌های زیادی را برای مردم ایجاد کرده در سخنان خود مدعی حمایت از مردم ایران شد و افزود: رویکرد ما با شفاف‌سازی این موضوع آغاز شد که مردم ایران باید به هر شکلی مورد حمایت قرار گیرند.

پمپئو با معترض خواندن افراد حاضر در ناآرامی‌های اخیر کشورمان آنها را مورد ستایش قرار داد و با تکرار ادعاهای خود از دولت بایدن و جهان خواست تا رفتارهای ایران با معترضان را محکوم کنند.

نشست دو حزبی سیاست ایران توسط جامعه ایرانیان آمریکا در واشنگتن برگزار شد و افرادی همچون جک کیان، ژنرال چهار ستاره بازنشسته آمریکایی، لیندا چاوز یک مقام سابق آمریکا، سام براون بک و گری لاک، سفرای سابق آمریکایی در آن سخنرانی کردند. همچنین پیامی ویدئویی توسط مریم رجوی رئیس گروهک تروریستی منافقین در این نشست پخش شد.

دیپلماسی

امضای قرارداد همکاری ایران و نیکاراگوئه

وزرای جمهوری اسلامی ایران و نیکاراگوئه برنامه همکاری‌های جامع امضاء کردند.

به گزارش ایرنا، حسین امیرعبداللهیان وزیر امورخارجه کشورمان و «دنیس مونکادا»، وزیر امور خارجه نیکاراگوئه، امروز یکشنبه در محل وزارت امورخارجه برنامه همکاری‌های جامع امضاء کردند.

این در حالی است که وزیر امورخارجه کشورمان با دنیس مونکادا وزیر خارجه نیکاراگوئه، صبح دیروز در محل وزارت امورخارجه دیدار کرد. پیش از این وزرای خارجه ایران و نیکاراگوئه در حاشیه هفتادوهفتمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در نیویورک با یکدیگر دیدار و رایزنی کرده بودند.

معرفی کاظمی قمی به عنوان سفیر ایران در افغانستان

حسن کاظمی قمی به عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران در افغانستان معرفی شد.

به گزارش ایسنا و بنا بر اعلام عباس بدری‌فر، رایزن سفارت ایران در کابل، با توجه به اینکه ماموریت بهادر امینیان به عنوان سفیر پیشین در افغانستان به پایان رسیده است، حسن کاظمی به عنوان سفیر ایران در این کشور معرفی شده است.

کاظمی قمی از ابتدای آغاز به کار دولت سیزدهم به عنوان نماینده ویژه رئیس‌جمهوری در امور افغانستان فعالیت داشت. با توجه به اینکه هفته گذشته خبری مبنی بر تعیین کاظمی قمی به عنوان سرپرست سفارت ایران در کابل منتشر شده بود، وزارت امور خارجه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که او همچنان نماینده ویژه رئیس‌جمهوری در امور افغانستان خواهد بود.

گمانه‌زنی درباره سفیر جدید ایران و دمشق

میدل ایست نیوز به نقل از منابع آگاه در وزارت امور خارجه سوریه مدعی شد که «حسین اکبری» به عنوان سفیر جدید ایران در دمشق معرفی شده است.

این منابع خبر دادند که ایران «حسین اکبری» را به عنوان سفیر جدید خود به دمشق معرفی کرده است. این در حالی است که دوره مأموریت «مهدی سبحانی» سفیر کنونی ایران در سوریه به پایان رسیده است.

حسین اکبری سابقه سفارت ایران در لیبی را داشته و کارشناس امور خاورمیانه و کشورهای عربی است.

حضور سفیر آذربایجان در وزارت خارجه

سفیر جمهوری آذربایجان در تهران با مدیر کل اورآسیای وزارت امور خارجه کشورمان دیدار کرد. به گزارش ایسنا، علی علیزاده سفیر آذربایجان در تهران با علیرضا حقیقیان مدیر کل اورآسیای وزارت امور خارجه کشورمان دیدار و گفت‌وگو کرد.

کوتاه از دیپلماسی

انتقاد دیپلمات پیشین از رویکرد فشل وزارت خارجه:

دولت سیزدهم اساسا دیپلماسی ندارد

یک دیپلمات سابق در ارزیابی خود از عملکرد دستگاه دیپلماسی دولت سیزدهم، بیان می‌کند که دولت سیزدهم اساسا دیپلماسی ندارد که بخواهیم آن را ارزیابی کنیم. می‌توان ادعا کرد که دستگاه دیپلماسی ما به یک عنصر کاملا منفعل و خنثی تبدیل شده است.

جاوید قربان‌اوغلی در گفت و گو با «انتخاب» درباره ارزیابی خود از دیپلماسی دولت سیزدهم، با توجه به تمام تحولات رخ داده در این مدت، بیان کرد: «به باور من دولت سیزدهم اساسا دیپلماسی ندارد که بخواهیم آن را ارزیابی کنیم. دیپلماسی دولت کاملا فشل است. به عنوان مثال قضیه چین را نگاه کنید؛ جایگاه دیپلماسی ما کجا بوده است؟ با چین چه کار کردیم که با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس چنین بیانیه‌ای را داد؟ فارغ از اینکه چه قدر مسائل دیگر تاثیر داشته است اما بالاخره دیپلماسی ما باید پاسخگو باشد. یا در قضیه اوکراین به باور من دیپلماسی ما مفقود است و هیچ وقعی هم به دستگاه دیپلماسی ما نمی‌گذارند و محلی از اعراب ندارد.»

این دیپلمات بازنشسته افزود: «به باور من اگر غیر از نخبگان و تحلیلگران، به سراغ افکار عمومی هم بروید، می‌گویند ما چیزی به نام دیپلماسی در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای نداریم. می‌توان ادعا کرد که دستگاه دیپلماسی ما به یک عنصر کاملا منفعل و خنثی تبدیل شده است.»

قربان اوغلی همچنین در خصوص مذاکرات احیای برجام در دولت سیزدهم، گفت: «در قضیه برجام دیپلماسی ما کجا بود؟ همه انتظارات و مطالبات کشور و مردم این بود که بالاخره مذاکرات دولت آقای روحانی و پنج دور مذاکرات آقای عراقچی، به یک نتیجه‌ای رسیده بود اما آمدند و مطالبات دیگری را مطرح کردند که پس از ۹ دور مذاکره به یک بن‌بست کامل رسیدیم.»

وی همچنین درخصوص دیپلماسی منطقه‌ای، ایران بیان کرد: «در مسئله کشورهای منطقه و همسایگان ما کجا قرار داریم؟ بدترین رابطه را با همسایگان داریم که نمونه‌اش را در عربستان و ارتباط با چین دیدیم. یا در مسئله حقوق بشر، شورای حقوق زنان و.. به نظر من دیپلماسی در دولت آقای رئیسی کلا کنار گذاشته شده است و جایگاه و اعتباری در سطح کشور، منطقه و بین‌الملل ندارد. آنقدر عناصر دست چندم، مسئولیت‌های ستادی را بر عهده گرفته‌اند که فاقد توانمندی‌های دیپلماتیک لازم برای رویارویی با این شرایط بغرنج و پیچیده بین‌المللی که علیه ما به وجود آمده، هستند.» وی ادامه داد: «نظرات و دیدگاه‌های تمام کارشناسان را که می‌خوانم، می‌گویند که دستگاه دیپلماسی ما اگر هم بخواهد، به دلیل فقدان نیروهای کارکشته و توانمند نمی‌تواند از پس این شرایط بربیاید. چراکه بالاخره مبارزه دیپلماتیک نیازمند ابزارهای خودش است و یکی از ابزارهایش افراد و نیروهای انسانی هستند که از عهده آن کار بر می‌آیند. مانند یک مسابقه‌ای می‌ماند که چنانچه طرف مقابل قدرتر از شما باشد، خود به خود صحنه را واگذار خواهید کرد. دیپلماسی ما با این آدم‌هایی که دارد، حتی اگر از یک استقلال نسبی هم برخوردار باشد، باتوجه به این شاکله‌ای که در آن وجود دارد و با توجه به دیپلمات‌هایی که در سفارتخانه‌ها و داخل کشور هستند، عملا هیچ کاری از دستش بر نمی‌آید. اگر نظرسنجی هم صورت گیرد به باور من اکثر صاحب‌نظران این ادعا را تایید خواهند کرد.»